

نظام حقوقی حاکم بر آزادی بیان قضات با نگاهی به ایران

✉ z.ameri@ub.ac.ir

زهرا عامری

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

معصومه عامری

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، مجتمع آموزش عالی گناباد، گناباد، ایران

چکیده: این مقاله به بررسی حدود و قلمرو آزادی بیان قضات می‌پردازد و در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که نظام‌های حقوقی چگونه می‌توانند میان حق آزادی بیان قضات و الزامات ناشی از جایگاه قضایی آنان توازن برقرار کنند. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی برخی کشورها را مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد اگرچه قضات، همچون سایر شهروندان، از حق آزادی بیان برخوردارند، اما به منظور حفظ ارزش‌های بنیادین نظیر استقلال قضایی، بی‌طرفی و اعتماد عمومی به قوه قضائیه، محدودیت‌های خاص و گسترده‌تری بر آزادی بیان آنان اعمال می‌شود. این محدودیت‌ها حوزه‌هایی چون جریان دادرسی، سخنرانی‌های عمومی، فعالیت در فضای مجازی و حتی زندگی روزمره را دربرمی‌گیرد. در عین حال، نتایج پژوهش حاکی از تضعیف «سکوت قضایی» در موضوعاتی مانند مقررات و سیاست‌های مؤثر بر قوه قضائیه، آموزش‌های حقوقی، نقد ضعف‌های قانونی و چالش‌های مرتبط با دموکراسی و حاکمیت قانون است. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورها، از طریق سازوکارهای خودتنظیمی، حدود آزادی بیان قضات تبیین شده است. در حالی که در ایران این رویکرد کمتر مورد توجه قرار گرفته و قواعد موجود عمدتاً دولتی و فاقد ضمانت اجرای مؤثر هستند. در نهایت، مقاله نتیجه می‌گیرد که تدوین و اجرای استانداردهای جامع داخلی با تأکید بر خودتنظیمی، ایجاد نهادهای مشورتی و الزام به آموزش مستمر قضات می‌تواند به برقراری تعادل میان آزادی بیان قضات و مسئولیت‌های حرفه‌ای و نهادی آنان منجر شود.

واژگان کلیدی: قوه قضائیه، آزادی بیان قضات، استقلال قضایی، قواعد رفتاری، قواعد اخلاقی، خویش‌داری قضایی

استناد: عامری، زهرا و عامری، معصومه. (۱۴۰۵). نظام حقوقی حاکم بر آزادی بیان قضات با نگاهی به

ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۳۱ (۱۱۵)، ۱۹۱-۲۱۶.

<https://doi.org/10.22034/jilvi.2026.2051024.1301>

© نویسنندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

در هر کشور، قوه قضائیه به عنوان ضامن عدالت و ارزش‌های اساسی دموکراسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. عملکرد مؤثر این قوه شرط لازم برای اجرای دکتترین حاکمیت قانون در هر کشور دموکراتیک است. قاضی که نماینده قوه قضائیه در جامعه به عنوان فردی است که عدالت را اجرا می‌کند، همیشه در کانون توجه افکار عمومی، کارشناسان و همه دست‌اندرکاران ایجاد اصلاحات قضایی است. با ارزیابی رفتار و اظهارات قاضی، چه در دادگاه و چه در خارج از آن، تصویر عمومی از دادرسی منصفانه و اعتماد به قوه قضائیه شکل می‌گیرد. به همین دلیل مهم است که اظهارات، انگیزه‌ها و تفکرات قاضی با ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی موجود در جامعه مطابقت داشته باشد. این وضعیت، وجود محدودیت‌ها، الزامات اضافی و مسئولیت‌های قاضی را در مورد رفتار ارتباطی خود توجیه می‌کند (Khotynska-Nor & Moskvych, 2021: 172). با در نظر گرفتن همین موضوع، کیفیت و حدود آزادی بیان یک قاضی که نمود رفتار ارتباطی اوست مورد توجه ویژه اسناد بین‌المللی است که برای توسعه جامعه، جایگاه قاضی و قوه قضائیه هر کشوری ارزشمند است. این مقاله به جایگاه آزادی بیان قضات و همچنین به موضوع ضرورت و مشروعیت محدودیت‌های وارد بر آن می‌پردازد. ایجاد سیستمی از معیارهای معقول و منصفانه برای تعیین رفتار ارتباطی مجاز یک قاضی نه تنها برای خود قاضی بلکه برای کل جامعه نیز مهم است، زیرا محدود کردن آزادی بیان می‌تواند بر درک حاکمیت قانون تأثیر منفی بگذارد. ممنوعیت‌انگاری گسترده روابط و قواعد رفتاری قضات ممکن است اثری دلسردکننده^۱ بر ظهور یا تحقق یک عقیده متفاوت در سیستم داشته باشد (Sessa, 2022: 3). تحت تأثیر این اثر، ترس از مجازات و سایر پیامدهای منفی برای ابراز عقیده ممکن است منجر به سکوت یا تغییر گفتار شود و عملاً محدودیت قضات از حوزه مقررات‌گذاری شده خود فراتر رود و به طور مؤثر آن روابطی را محدود کند که حتی قانون‌گذاران هرگز آن‌ها را هم مدنظر قرار نداده بودند (Fajdiga & Zagorc, 2023: 252).

نویسندگان در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است، به بررسی چارچوب‌های قانونی مندرج در اسناد بین‌المللی و قوانین ملی در باب آزادی بیان قضات می‌پردازند و به این سؤالات پاسخ می‌دهند که آیا یک قاضی می‌تواند از حق آزادی بیان خود همچون یک شهروند عادی استفاده کند، یا اینکه با پذیرش سمت، دامنه اعمال این حق محدود می‌شود؟ در صورت پذیرش محدودیت، چارچوب محدودیت‌ها تا به کجاست؟ کشورهای مختلف در خصوص دامنه اعمال این حق چه رویکردی اتخاذ کرده‌اند؟ در پایان پیشنهاداتی به منظور ایجاد

تبادل میان حق آزادی بیان قضات و تضمین استقلال قضایی، بی طرفی و حفظ اعتماد عمومی به قوه قضائیه ارائه می‌شود. برای دستیابی به اهداف پژوهش، ساختار مقاله حاضر با دقت طراحی شده است. ابتدا، چارچوب نظری آزادی بیان قضات از نظر استانداردهای بین‌المللی و ملی در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرند تا پایه‌ای محکم برای بحث‌های آتی فراهم آید. پس از آن، به معرفی ابعاد این آزادی از منظر تطبیقی خواهیم پرداخت. سپس بررسی این آزادی در چارچوب نظام حقوقی ایران مورد تحلیل و نقد قرار خواهد گرفت و در پایان، مقاله با جمع‌بندی نتایج، ارائه برداشت‌ها و پیشنهادهای کاربردی به پایان می‌رسد.

۱. آزادی بیان قضات؛ استانداردهای بین‌المللی و ملی

حق آزادی بیان در بسیاری از معاهدات بین‌المللی و اسناد منطقه‌ای و نیز در قوانین اغلب کشورها ذکر شده است. آزادی بیان مبنای بهره‌مندی کامل از طیف گسترده‌ای از دیگر حقوق بشر، از جمله حق آزادی مذهب، آزادی اجتماعات و تشکیل انجمن، مشارکت در امور عمومی و اعمال مؤثر حق رأی است. به گفته ریچارد مون، همه استدلال‌ها برای حمایت از آزادی بیان بر یک یا ترکیبی از سه ارزش تمرکز دارند: حقیقت، دموکراسی، و استقلال فردی. اگرچه برخی تئوری‌ها بر اولویت یک ارزش نسبت به ارزش‌های دیگر تأکید می‌کنند، اما در دیدگاه غالب، آزادی بیان باید به دلیل کمکی که به هر سه ارزش می‌کند محافظت شود (Milinkovic, 2022: 329). آزادی بیان معمولاً به معنای امکان بیان افکار و دیدگاه‌ها به صورت ارادی، چه به صورت شفاهی و چه غیرکلامی است. این کار را می‌توان با کلمه، نامه، چاپ، در قالب یک اثر هنری یا هر روش دیگری به انتخاب خود فرد انجام داد (Rzewuski, 21).

بررسی استانداردهای بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی در مورد آزادی بیان نشان می‌دهد که در چارچوب این استانداردها، همه افراد از حق آزادی بیان برخوردارند. با این حال اعمال این حق مطلق نیست و محدودیت‌های مشروعی در ارتباط با آن پذیرفته شده و اعمال این حقوق چنان‌که در برخی از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی ذکر شده با تکالیف و مسئولیت‌های ویژه‌ای همراه است (Heldens et.al, 2022: 11). در مورد قضات تعیین این وظایف و مسئولیت‌های ویژه در موضوعات مربوط به آزادی بیان قضات از اهمیت خاصی برخوردار است.

قضات، مانند سایر شهروندان، از حق آزادی بیان برخوردارند. با وجود این، در اجرای این آزادی، قضات ملزم به توابع وظایف و مسئولیت‌های سمت خود هستند که برای تحقق حاکمیت قانون و تأمین اعتماد عمومی به عملکرد قوه قضائیه ضروری است. فرض اساسی این است که قضات به دلیل تکالیف رسمی خود، ملزم به وفاداری به حکومتند. اگرچه قوه قضائیه جزء خدمات عمومی اجرایی

نیست، لیکن وظیفه وفاداری در مورد قوه سوم حکومت با توجه به جایگاه برجسته آن در میان نهادهای حکومتی در یک جامعه دموکراتیک نیز صادق است. (Seibert-Fohr, 2019: 3) بنابراین، ترسیم دامنه آزادی بیان کارکنان آن با استناد به قوانین ضروری است تا معلوم شود آیا تعادل عادلانه‌ای بین حق فردی قضات برای آزادی بیان و منافع مشروع یک حکومت دموکراتیک در حصول اطمینان از اینکه خدمات کارکنان آن به درستی اهداف آن حکومت را پیش می‌برد وجود دارد یا خیر.

۱-۱. حق بر آزادی بیان قضات در اسناد بین‌المللی

تلاش‌های بین‌المللی برای مقررات‌گذاری رفتار قضایی بخشی جدایی‌ناپذیر از اقدامات فراملی برای ترویج حاکمیت قانون در سراسر جهان است. نکته مهم این است که حتی اسنادی که آزادی بیان را برای همه افراد به طور اطلاق به رسمیت شناخته‌اند، وقتی به قضات می‌رسند، این آزادی را مشروط و محدود می‌کنند، زیرا جایگاه قضات به طور ذاتی با بی‌طرفی، استقلال و شأن خاص حرفه‌ای گره خورده است.

مطابق اصول اساسی استقلال قوه قضائیه^۱ که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است، اعضای قوه قضائیه مانند سایر شهروندان از آزادی بیان، عقیده، تشکل و اجتماع برخوردارند و با توجه به وظایف و مسئولیت‌های ویژه خود باید در اعمال این حقوق خویشتن‌دار باشند و همواره به‌گونه‌ای رفتار کنند که شأن و منزلت مقام خود و بی‌طرفی و استقلال قوه قضائیه حفظ شود (اصل ۸). در اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی^۲ که از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی با هدف تعیین معیارهای رفتار اخلاقی قضات و ایجاد یک چارچوب قضایی برای نظام بخشی به رفتار قضایی است نیز مقررات مشابهی می‌توان یافت. اصول بنگلور عمداً گسترده و کلی است تا با حوزه‌های قضایی مختلف سازگار باشد و چارچوبی برای تنظیم رفتار قضایی فراهم کند. بند ۶ اصل ۴ بیان مجدد تقریباً کلمه به کلمه اصل ۸ اصول اساسی استقلال قوه قضائیه است. به موجب این اصل، قاضی مانند هر شهروند دیگری از آزادی بیان، عقیده، تشکل و اجتماع برخوردار است، اما در اعمال این حقوق، قاضی باید همیشه به‌گونه‌ای رفتار کند که حیثیت و منزلت مقام قضایی، بی‌طرفی و استقلال قوه قضائیه حفظ شود. بند ۱۳ اصل ۴ مقرر می‌دارد که قاضی در عرصه اجرای صحیح وظایف قضایی می‌تواند بنویسد، سخنرانی کند، آموزش دهد. شرح اصول رفتار قضایی بنگلور^۳، تعدادی از فعالیت‌ها را که با مقام قضایی ناسازگار هستند فهرست می‌کند و به عنوان یک اصل کلی

1. Basic Principles on the Independence of the Judiciary, 1985

2. The Bangalore Principles of Judicial Conduct, 2002

3. Commentary on the Bangalore Principles of Judicial Conduct

بیان می‌کند که قضات نباید در مناقشات عمومی شرکت کنند. همچنین تعدادی از موقعیت‌ها را مشخص می‌کند که در آن یک قاضی می‌تواند به درستی درباره موضوعاتی که از نظر سیاسی حساس هستند صحبت کند. قضات می‌توانند در مورد قوانین و سیاست‌هایی که مستقیماً بر عملکرد دادگاه‌ها، استقلال قوه قضائیه یا جنبه‌های بنیادی اجرای عدالت تأثیر می‌گذارند اظهار نظر کنند (همتی و شاه حیدری، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۰۸).

منشور جهانی قضات^۱ که به تصویب انجمن بین‌المللی قضات رسیده شامل دو ماده در مورد اعمال آزادی بیان است. ماده ۳-۵ مقرر می‌دارد که قضات حق آزادی بیان دارند. طبق ماده ۶-۲، قضات موظفند در انجام وظایف خود بی‌طرف باشند، وظایف خود را با خویشتن‌داری و توجه به حیثیت دادگاه و کلیه اشخاص درگیر انجام دهند و از هرگونه رفتار، عمل یا بیانی که ممکن است بر اعتماد به بی‌طرفی و استقلال آن‌ها تأثیر بگذارد خودداری کنند.

در سطح منطقه‌ای مفصل‌ترین استانداردهای منطقه‌ای در مورد این موضوع در اروپا و سیستم بین‌آمریکایی آمده است. توصیه‌نامه^۲ شورای اروپا با عنوان قضات: استقلال، کارآمدی و مسئولیت‌ها^۲، در حالی که صریحاً حق قضات برای تشکیل و پیوستن به انجمن‌های حرفه‌ای را به رسمیت می‌شناسد (بند ۲۵)، مقررات خاصی در مورد اعمال آزادی بیان افراد ندارد. با این حال، شورا توصیه می‌کند که قضات در روابط خود با رسانه‌ها خویشتن‌داری کنند (بند ۱۹) و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های خارج از اختیارات قضایی با بی‌طرفی و استقلالشان سازگار باشد (بند ۲۱). منشور اروپایی در مورد اساسنامه قضات^۳ شورای اروپا همچنین حاوی مقررات مفصلی در مورد اعمال آزادی بیان (ماده ۴/۳) و فعالیت‌های فراقضایی (ماده ۴/۲) است. بر اساس ماده اخیر، قضات آزادانه فعالیت‌هایی خارج از اختیارات قضایی خود انجام می‌دهند، از جمله فعالیت‌هایی که مظهر حقوق آن‌ها به عنوان شهروند است. این آزادی را نمی‌توان محدود کرد، مگر در مواردی که این فعالیت‌ها با اعتماد یا بی‌طرفی یا استقلال قاضی ناسازگار باشد.

شورای مشورتی قضات اروپایی در نظر شماره ۳ در مورد اصول و قواعد حاکم بر رفتار حرفه‌ای قضات^۴، اعلام می‌کند که قضات به عنوان شهروند از حقوق و آزادی‌های اساسی که به‌ویژه توسط

-
1. The Universal Charter of Judges, 2007
 2. Recommendation CM/Rec (2010)12 on judges: independence, efficiency and responsibilities
 3. European Charter on the Statute for Judges, 1998
 4. the principles and rules governing judges' professional conduct, in particular ethics, incompatible behavior and impartiality, 2002

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حمایت شده است برخوردار هستند. بنابراین، آن‌ها باید آزاد باشند تا در فعالیت‌های فرا حرفه‌ای مورد نظر خود شرکت کنند. با این حال، چنین فعالیت‌هایی ممکن است بی‌طرفی یا حتی گاهی استقلال آن‌ها را به خطر بیندازد. بنابراین باید تعادل منطقی بین درجه مشارکت قضات در جامعه و نیاز به مستقل بودن و بی‌طرف بودن آن‌ها در انجام وظایفشان ایجاد شود (ICJ, 2019: 11).

این شورا در دسامبر ۲۰۲۲، نظر شماره ۲۵ را در مورد آزادی بیان قضات تصویب کرد. در ماده ۴۶ این نظر آمده که، قضات با توجه به حفظ بی‌طرفی و استقلال خود باید اجازه داشته باشند و حتی تشویق شوند که در بحث‌های مربوط به قانون برای اهداف آموزنده شرکت کنند و دیدگاه‌ها و نظرات خود را در مورد ضعف‌های موجود در قانون، اعمال قانون، بهبود قانون و همچنین نظام حقوقی بیان کنند (Milinkovic, 2022: 338).

اعلامیه پکن در مورد اصول استقلال قوه قضائیه در منطقه آسیا-اقیانوسیه^۱ مقرر می‌دارد که قضات حق دارند از آزادی‌های اساسی خود تا حدی که با وظایفشان به عنوان اعضای قوه قضائیه سازگار است استفاده کنند (اصل ۸). آن‌ها همچنین آزادند تا انجمن‌های قضایی تشکیل دهند و به آن‌ها بپیوندند تا منافع خود را نمایندگی کنند، آموزش حرفه‌ای خود را ارتقا دهند و از استقلال خود محافظت کنند (اصل ۹).

اساسنامهٔ ایروآمریکایی قضات^۲ حق مشروع آزادی بیان و اطلاعات (ماده ۳) و همچنین حق تشکیل انجمن‌های حرفه‌ای به جز استثنائاتی که توسط قانون اساسی یا قوانین هر کشور تعیین شده است را برای قضات به رسمیت می‌شناسد (ماده ۳۶).

چنانکه ملاحظه شد اغلب اسناد بین‌المللی با توصیهٔ قضات به خویشتنداری، مجوز آزادی بیان و عملکرد آن‌ها را تا اندازه‌ای که به استقلال و بی‌طرفی قوه قضائیه، حفظ حاکمیت قانون، حفظ اعتماد عمومی به سیستم حقوقی، حفظ حرفه‌ای بودن و حفظ شأن و منزلت حرفه خدشه وارد نکند صادر می‌کنند. معدود اسنادی اما سخن از موارد مجاز بیان آزادانه قضات دارند و آن‌ها را برمی‌شمارند. در این اسناد مشارکت قضات در فعالیت‌هایی چون اظهار نظر در مورد سیاست‌های اثرگذار بر قوه قضائیه یا مباحث مربوط به قانون و یا آموزش حقوقی به‌طور ویژه در محدودهٔ آزادی بیان قرار گرفته است و منافاتی با جایگاه شغلی قضات ندارد. بر این اساس غلبهٔ رویکرد حفاظتی بر رویکرد توسعه‌ای در اسناد مشهود است. ابهام در مرز فعالیت مجاز و فعالیت ناسازگار در این اسناد

1. Beijing Statement of Principles on the Independence of the Judiciary in the LAWASIA Region, 1997

2. The Statute of the Iberoamerican Judge, 2001

مشهود است. حتی در اسناد مفصل، خطوط دقیق میان اظهارنظر قابل قبول و غیرقابل قبول کاملاً واضح نیست و اغلب به تفسیر نهادهای قضایی یا انجمن‌های حرفه‌ای واگذار شده است.

۲-۱. حق بر آزادی بیان قضات در قوانین ملی

در قوانین داخلی بسیاری از کشورها وضع محدودیت‌های قانونی بر آزادی بیان قضایی تابع همان محدودیت‌های پیش‌بینی شده برای سایر افراد است. در اکثر قوانین اساسی کشورهای دموکراتیک، اصلی وجود ندارد که به طور خاص ناظر بر آزادی بیان قضات باشد و تنها شمار محدودی از کشورها هستند که در این چارچوب به آزادی بیان قضایی اشاره کرده‌اند. توجه به این آزادی اغلب در پرتو شناسایی مفهوم مصونیت قضات مورد توجه است. قانون اساسی آلبانی در اصل ۱۳۷ خود تصریح می‌کند که قضایی دیوان عالی در مورد نظرات ابراز شده یا تصمیمات اتخاذ شده در اجرای وظایف خود از مصونیت برخوردار است. ماده ۸۶ قانون اساسی مونتنگرو مقرر می‌دارد که رئیس دادگاه عالی، قضات دادگاه قانون اساسی و دادستان عالی کشور از مصونیت مشابهی با اعضای پارلمان برخوردار خواهند بود (Venice Commission, 2015: 4). آزادی بیان طبق بند اول اصل ۱۱۱ قانون اساسی مراکش برای قضات در قانون اساسی تضمین شده است. قضات باید از این آزادی، مطابق با وظیفه خود و اخلاق قضایی برخوردار شوند. قانون اساسی گرجستان از حق داشتن و ابراز آزادانه عقاید حمایت می‌کند. با این حال، پیش‌شرط‌هایی را برای محدود کردن این حق از جمله برای اطمینان از استقلال و بی‌طرفی قوه قضائیه مجاز می‌داند (Kakhidze et.al, 2021: 10).

تمرکز بر مقوله مصونیت نشان‌دهنده یک رویکرد محتاطانه است. در این رویکرد، آزادی بیان قضایی نه به‌عنوان یک حق مدنی گسترده، بلکه به‌عنوان یک ابزار حمایتی برای عملکرد قضایی تلقی می‌شود تا از تلافی‌جویی یا فشار سیاسی بر تصمیمات مرجع قضایی جلوگیری شود. به‌عبارت دیگر، هدف اصلی، تضمین استقلال قضایی در مقام صدور حکم است، نه تضمین اظهارنظر شخصی خارج از حیطه وظیفه.

اما در بسیاری از کشورها محدودیت‌های وارد بر این حق به جای قانون اساسی، در سطوح پایین‌تر یعنی یا در قالب قوانین موضوعه و در چارچوب تعهدات قانونی الزام‌آور و یا در قالب قواعد رفتاری^۱ (کدهای رفتار قضایی) مقررات‌گذاری شده است.

کشورهایی چون اتریش، کرواسی، چک، دانمارک، استونی، فرانسه، ایسلند، آلمان، نروژ، هلند، لهستان، پرتغال، اسلواکی، رومانی، روسیه، اسلوانی، ترکیه و اوکراین، استونی، فرانسه، آلمان در

شمار کشورهای هستند که در قوانین موضوعه و دارای ضمانت اجرای قانونی به ترسیم حدود آزادی بیان قضات پرداخته‌اند. مزیت تحلیلی این رویکرد، وضوح حقوقی و قطعیت در اجرا است؛ قاضی دقیقاً می‌داند که نقض کدام مرز، تبعات انضباطی مستقیم در پی خواهد داشت. در مقابل، تعدادی از کشورها قواعد رفتاری را برای قضات تصویب کرده‌اند که عموماً توسط نهادها و انجمن‌های حرفه‌ای قضات تدوین شده‌اند و به مقامات ذی‌ربط برای تصمیم‌گیری در موضوعات انضباطی مربوط به قضات کمک می‌کند. این قواعد ماهیتاً منجزتر و دقیق‌تر از قواعد اخلاقی بوده و حاوی فهرستی از رفتارها هستند که در شرایط خاص باید رعایت شوند یا از آن‌ها اجتناب شود (رضائی و دیگران، ۱۴۰۱: ۶) آفریقای جنوبی، روسیه، لیتوانی، اوکراین، مالت و کرواسی در شمار این گروهند (Venice Commission, 2015: 9). قواعد رفتاری غالباً مجازاتی را اعمال نمی‌کنند، اما نقض آن‌ها ممکن است به موجب دیگر قوانین مبنایی برای مجازات انضباطی یا کیفری شود و یا به عنوان ابزاری برای خودکنترلی در حرفه قضایی عمل کند. این مکانیسم، انعطاف‌پذیری بیشتری به نهادهای انضباطی قضایی می‌دهد تا رفتار قاضی را نه فقط بر اساس نقض یک ماده قانونی خشک، بلکه بر اساس تضعیف اعتبار حرفه‌ای و اخلاق قضایی مورد قضاوت قرار دهند.

در این بررسی، توجه به طیفی وسیع از سنت‌های حقوقی غالب در جهان، یعنی حقوق رومی‌ژرمنی و کامن‌لا امکان مقایسه رویکردهای متفاوت به استقلال قضایی و آزادی بیان قضات را فراهم می‌آورد. دسترسی به قوانین، مقررات، دکترین حقوقی و رویه‌های قضایی معتبر به زبانی قابل فهم کمک می‌کند تا تحلیل‌ها بر پایه اطلاعات موثق و کافی میسر شوند. چنان‌که تحلیل این رویکردهای مختلف مبتنی بر همین تنوع نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی مختلف، از طریق مکانیسم‌های متفاوت (قیود اساسی، قوانین موضوعه یا کدهای رفتاری)، به دنبال یک هدف واحد هستند: تنظیم آزادی بیان قاضی به گونه‌ای که از وظیفه اصلی وی یعنی تضمین بی‌طرفی و عدالت حمایت کند. تفاوت اصلی در انتخاب میان قطعیت رسمی قانون و انعطاف‌پذیری اخلاقی کدهای رفتاری نهفته است.

۲. چارچوب قانونی آزادی بیان قضات

چنانکه اشاره شد چارچوب قانونی ناظر بر بیان قضات در قالب قوانین الزام آور عادی یا قواعد رفتاری ترسیم شده است. با بررسی این مفاد، مقررات مربوط به تنظیم رفتار ارتباطی و آزادی بیان قاضی را می‌توان در چند بخش زیر یافت:

۱-۲. آزادی بیان قاضی در جریان دادرسی

بیان یک قاضی در محاکمه مستقیماً با الزامات استقلال، بی‌طرفی و عینیت محاکمه، عدم تبعیض میان طرفین در دادگاه و اصل اساسی عدالت یعنی احترام به عزت و حیثیت همه طرفین

مرتبط است. هم شکل و هم محتوای اظهارات قاضی در جریان دادرسی باید به منزله ابراز احترام برای طرفین در محاکمه باشد. قاضی نمی‌تواند از الفاظ توهین‌آمیز یا کلماتی که ممکن است دیگران را تحقیر یا بین آن‌ها تبعیض ایجاد کند استفاده کند. ضمناً کلام و عبارات او باید بی‌طرفانه باشد تا در استقلال او تردیدی وجود نداشته باشد. هر گونه ابراز شفاهی هم‌دردی یا مخالفت با طرفین محاکمه می‌تواند به عنوان نقض عدالت توسط یک دادگاه مستقل تلقی شود.

از قضات زمانی که نظراتی را بیان می‌کنند که مربوط به رسیدگی‌های قضایی است و ممکن است بی‌طرفی این قوه را به خطر اندازد انتظار می‌رود که خویشتن‌داری کنند. اظهارات علنی یک قاضی که آشکارا با اجرای عدالت در پرونده‌ای که توسط همان قاضی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، مرتبط است می‌تواند پرسش عمومی را در مورد اینکه آیا قاضی باید از رسیدگی به پرونده محروم شود یا خیر ایجاد کند. هنگامی که قاضی پیش از صدور حکم، نظر خود را علناً اعلام می‌کند، مشروعیت تصمیم نهایی او زیر سؤال می‌رود، حتی اگر حکم او عادلانه باشد. این ممنوعیت، در واقع یک سد دفاعی در برابر تضعیف اعتبار حکم نهایی قاضی است.

ماده ۲۱۲ قانون نظام قضایی بلغارستان، قضات را از اظهار نظر قبل از صدور حکم در مواردی که به آن‌ها محول شده و همچنین در مواردی که به آن‌ها محول نشده، منع می‌کند. طبق ماده ۱۶ قواعد اخلاق قضایی گرجستان قاضی از صحبت علنی در مورد پرونده‌های تحت بررسی خود یا مواردی که توسط سایر قضات بررسی می‌شود ممنوع است (Kakhidze et.al, 2021: 10). در رومانی طبق ماده ۹ قانون اساسنامه قضات، قضات نمی‌توانند نظر خود را در مورد فرآیندهای در حال انجام علناً اعلام کنند و اجازه اظهار نظر یا توجیه احکام در مطبوعات یا برنامه‌های سمعی و بصری را ندارند. منشور اخلاق قضایی بوسنی و هرزگوین به قضات اجازه اظهار نظر در مورد پرونده‌های در جریان را نمی‌دهد. طبق ماده ۲/۴ منشور، قاضی نمی‌تواند به صورت علنی یا خصوصی در مورد رسیدگی‌هایی که خودش بررسی آن را برعهده دارد، یا در مورد پرونده‌هایی که ممکن است به او واگذار شود، اظهار نظر کند. همچنین او نباید در مورد رسیدگی‌های قاضی دیگر به گونه‌ای اظهار نظر کند که بی‌طرفی او را مورد تردید قرار دهد یا تصور نفوذ ناروا را ایجاد کند (Gehring et.al, 2021: 94). در کرواسی منشور رفتار قضات شامل دو محدودیت صریح برای اعمال حق آزادی بیان است. اولاً، قاضی نباید در مورد رسیدگی خاصی که در جریان است و تصمیمات دادگاه در این رسیدگی‌ها اظهار نظر کند. ثانیاً، قاضی باید از ترویج و بیان آرا و دیدگاه خود در جریان دادرسی به‌ویژه از طریق رسانه‌ها خودداری کند (Ohchr: 3).

در آفریقای جنوبی قانون رفتار قضائی در بند (و) ماده ۱۱ بیان می‌دارد که قاضی نباید، جز در

زمان انجام مسئولیت قضائی، در مورد ماهیت هر پرونده در حال رسیدگی توسط خود یا هر قاضی دیگری علناً اظهار نظر کند و باید محرمانه بودن تمام اطلاعاتی را که در جریان محاکمه فاش نشده است حفظ کند.

در روسیه مطابق منشور اخلاق قضایی مصوب ۲۰۱۲، قاضی در اظهار نظر برای مطبوعات باید با دقت عمل کند و نباید در مورد ماهیت پرونده‌های در حال رسیدگی اظهار نظر کند. اما پس از پایان پرونده، قاضی می‌تواند معنای تصمیم قضایی اتخاذ شده را به صورت شفاهی یا کتبی توضیح دهد (Venice Commission, 2015: 8). این توضیح پس از دادرسی، ابزاری است برای افزایش شفافیت و درک عمومی، نه ابزاری برای دفاع از محتوای حکم.

محدودیت در خصوص اظهارات قاضی حتی شامل بیان دیدگاه‌های شخصی وی در جریان دادرسی فارغ از موضوع مورد رسیدگی هم می‌شود. چنان‌که منشور اخلاق قضایی بوسنی تصریح می‌کند که قضات نباید در حین انجام وظایف رسمی خود هیچ‌گونه وابستگی مذهبی، سیاسی، ملی یا دیگر نشان دهند (ماده ۴/۴). در پرونده پیتکوویچ علیه روسیه، یک قاضی در طول جلسات دادگاه درباره مسائل اخلاقی و مذهبی صحبت کرده و به اصحاب دعوا وعده داده بود که در صورت پیوستن به کلیسای مورد نظر او نتیجه مطلوبی از روند دادگاه خود خواهند داشت. از آنجایی که چنین رفتاری بی‌طرفی او را زیر سؤال برده و اقتدار قوه قضائیه را تضعیف کرده بود، دادگاه اروپایی حقوق بشر برکناری او از سمت خود را متناسب با یک هدف مشروع دانست (Milinkovic, 2022: 334). ریشه تحلیلی این محدودیت آن است که دادگاه باید یک فضای خنثای حقوقی باشد که در آن، تنها قانون و شواهد حکمرانی می‌کنند.

حتی لحن یک قاضی نیز می‌تواند بی‌طرفی این قوه و اجرای عدالت را خدشه‌دار سازد. این شرط که قاضی صبور، باوقار و مؤدب باشد منتج به ممنوعیت رفتاری می‌شود که منعکس‌کننده سوگیری یا تعصب است و این محدودیت در نمونه قواعد رفتار قضایی آمریکا^۱ (۲۰۰۷) با این بیان که قاضی در اجرای وظایف قضایی نباید با کلام یا رفتار، سوگیری یا تعصب آشکار نشان دهد مورد تأکید قرار گرفته است. انواع اظهارات مغرضانه‌ای که منجر به مجازات انضباطی می‌شود عبارتند از بیان القاب نژادی، توهین‌های قومیتی، لقب‌های تحقیرآمیز، اظهارات تمسخرآمیز و نظایر آن (Smolla, 2015: 970). در گرجستان بر اساس ماده ۱۵ قواعد اخلاق قضایی^۲، قاضی ممنوعیتی در اعمال حق آزادی بیان ندارد. با این حال، در اظهارات خود باید متمدن باشد و از به‌کار بردن کلمات یا عبارات

1. The Model Code of Judicial Conduct

2. Rules of Judicial Ethics

توهین آمیز، تحقیر آمیز یا اصطلاحات تبعیض آمیز خودداری کند (Kakhidze et.al, 2021: 11). آنچه در خصوص اظهارات قاضی در این حوزه باید مورد توجه قرار گیرد توجه به این نکته است که برای کنار گذاشتن تضمین های قانونی آزادی بیان، باید ارتباط بین اظهارات قضات و ایجاد تداخل در مسئولیت اجرای عدالت آشکار باشد. در صورتی که ارتباط مشهود نباشد، دادگاه ها و دستگاه های ناظر باید آزادی بیان قاضی را در اولویت قرار دهند. به سختی می توان در عمل مرزی بین عباراتی که توسط قانون حمایت می شود از یک سو و عباراتی که باید در ارتباط با وظایف قضایی تلقی شوند از سوی دیگر تعیین کرد.

۲-۲. آزادی بیان قاضی در مباحثات عمومی

آزادی بیان قضات در فضای عمومی، یک نقطه تلاقی حساس میان دو نقش هم زمان آنهاست: شهروند که از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار است و قاضی که حامل اقتدار بی طرف قوه قضائیه است. به عنوان شهروند، باید از قضات انتظار داشت که در گفتمان عمومی شرکت کنند زیرا مسائل اجتماعی بر آنها نیز تأثیر می گذارد. با این حال در خصوص الزامات سخنرانی علنی قضات، تعادل مهمی بین حق ابراز نظر اعضای جامعه قضایی و آسیب نرساندن به اقتدار قوه قضائیه وجود دارد. در شرح اصول بنگلور آمده است که قاضی نباید خود را به طور نامناسب درگیر مجادلات عمومی کند، زیرا اگر قاضی وارد صحنه سیاسی شود و در مباحثات عمومی شرکت کند - خواه از طریق اظهار نظر در موضوعات مورد مناقشه و یا وارد شدن به اختلافات با شخصیت های عمومی جامعه یا علناً از دولت انتقاد کند - هنگام ایفای نقش قاضی در دادگاه برای عموم این تصور ایجاد می شود که منصفانه عمل نمی کند. همچنین زمانی که قاضی باید در مورد اختلافات مربوط به موضوعاتی که در انتظار عمومی در مورد آنها اظهار نظر کرده است، قضاوت کند، بی طرف تلقی نخواهد شد و این شاید مهم تر از همه زمانی صادق باشد که شخصیت های عمومی یا نهادهایی که قاضی قبلاً علناً از آنها انتقاد کرده است، به عنوان اصحاب دعوا یا حتی شاهد در پرونده هایی که به عهده اوست، حاضر شوند (Rosales & Vargas, 2022: 57). با این حال، این محدودیت مطلق نیست و بر اساس تحلیل موضوعی، دایره ای از مشارکت مجاز تعریف شده است. به عنوان مثال تفسیر موقعیت هایی چون مباحث اثرگذار بر قوه قضائیه یا موضوعاتی که اظهار نظر در مورد آنها یک امر اخلاقی است از مواردی است که در آن حقوق قاضی نباید محدود شود (icj, 2019: 6). در همین راستا، در اکثر کشورها، قضات اجازه دارند و حتی در کشورهایی تشویق می شوند تا در بحث های عمومی در مورد قانون، نظام حقوقی و عملکرد سیستم قضایی شرکت کنند. در بوسنی، منشور اخلاق قضایی بر وظیفه قضات برای شرکت در بحث های عمومی در مورد اصلاحات قضایی و سایر موضوعات حقوقی

مرتبط تأکید می‌کند. قاضی می‌تواند به منظور بهبود نظام حقوقی و با در نظر گرفتن اصول بی‌طرفی و استقلال قضایی، دیدگاه‌ها و نظرات خود را علناً بیان کند و در مورد پدیده‌های اجتماعی اظهار نظر کند (Milinkovic, 2022: 344). این امر، نشان‌دهنده درک این است که قضات، به‌عنوان متخصصان اصلی قانون، می‌توانند به‌طور سازنده به تکامل نظام کمک کنند، مشروط بر اینکه اصول استقلال و بی‌طرفی را نقض نکنند. در نیوزیلند اگر موضوع مناقشه عمومی مستلزم پاسخ از سوی قوه قضائیه یا دادگاه خاصی باشد، باید از سوی رئیس قوه قضائیه یا رئیس حوزه قضایی یا با تأیید وی باشد. در موارد دیگر، ارائه نظرات مربوط به اجرای عدالت و وظایف قوه قضائیه در بحث عمومی برای قضات توصیه می‌شود (Hammond, 2011:197). چنین مواردی بیانگر این است که گاهی اوقات سکوت قاضی به اعتبار قوه قضائیه آسیب می‌زند. یعنی حفظ اقتدار نباید به قیمت عدم شفافیت در مورد مسائل حیاتی عدالت تمام شود.

در کانادا اصول اخلاقی برای قضات بیان می‌کند که قضات باید از رفتارهایی مانند عضویت در گروه‌ها یا سازمان‌ها یا شرکت در بحث‌های عمومی که در ذهن یک فرد معقول، منصف و آگاه، اعتماد به بی‌طرفی قاضی را در مورد مسائلی که ممکن است در دادگاه مطرح شود، تضعیف می‌کند و از شرکت علنی در بحث‌های سیاسی جنجالی خودداری کنند، مگر در مورد موضوعاتی که مستقیماً بر عملکرد دادگاه‌ها، استقلال قوه قضائیه یا جنبه‌های اساسی اجرای عدالت تأثیر می‌گذارد (Mullor, 2023:16).

بر اساس منشور اخلاق قضایی در کرواسی، قاضی باید در حضور عموم، شهرت حرفه قضایی را ارتقا دهد. قاضی می‌تواند در بحث‌های عمومی در مورد قانون، نظام حقوقی و عملکرد سیستم قضایی شرکت کند. قاضی هنگام ظاهر شدن در انظار عمومی یا هنگام اظهار نظر از طریق رسانه‌های عمومی یا در جلسات عمومی باید ظاهر و رفتار کلی خود را مطابق با قانون شکل دهد (Ohchr, 3). در آمریکا نیز قاضی می‌تواند در مورد قانون، نظام حقوقی و اجرای عدالت و در مورد موضوعات غیرحقوقی صحبت کند، بنویسد، سخنرانی کند، تدریس کند و در سایر فعالیت‌های فراقضایی شرکت کند (Gray, 2009: 19).

مقررات در خصوص اظهار نظر قضات در مورد مسائلی با ماهیت سیاسی متفاوت است. در یک دیدگاه مشارکت قضات در مناظرات عمومی با ماهیت سیاسی مشکلات عمده‌ای را ایجاد می‌کند. البته قضات شهروند باقی می‌مانند و باید به آن‌ها اجازه داده شود تا از حقوق سیاسی مورد استفاده همه شهروندان استفاده کنند. با این حال، قضات باید در انجام فعالیت‌های سیاسی عمومی که با الزام قضات به وفاداری به دولت در تضاد باشد خویش‌داری کنند (Wojtanowski, 2024: 128).

در رومانی، طبق ماده ۸ قانون وضعیت قضات^۱ (شماره ۲۰۰۴/۳۰۳)، قضات موظفند از بیان یا ابراز عقاید سیاسی خودداری کنند. منشور اخلاقی قضات و دادستان‌های بوسنی، قضات را از شرکت علنی در بحث‌های سیاسی بحث‌برانگیز منع می‌کند. استثنائات این موضوع مسائلی است که مستقیماً به عملکرد دادگاه‌ها، استقلال قوه قضائیه و جنبه‌های اساسی اجرای عدالت مرتبط است. در گرجستان قاضی باید هنگام سخنرانی در جلسات عمومی محتاط باشد تا نظر او به منزله حمایت یا جانبداری سیاسی تلقی نشود. قاضی نباید در فعالیت سیاسی شرکت کند یا از طرف یک سازمان سیاسی صحبت کند. قاضی نباید نظرات سیاسی خود را به صورت علنی بیان کند (Kakhidze et al., 2021: 11). در مقابل در شماری از کشورها به عنوان یک اصل کلی، قاضی می‌تواند مانند هر شهروند دیگری عقیده سیاسی خود را بیان کند. در اتریش قاضی می‌تواند نظر سیاسی خود را مانند هر شهروند دیگری بیان کند. با وجود این، اظهار نظر سیاسی یک قاضی باید از اظهارات رسمی قابل تشخیص باشد. در آلمان صدور بیانیه‌های سیاسی عمومی منتفی نیست. اما قاضی هنگام اظهار عقاید سیاسی در ملا عام نباید پست خود را ذکر کند (بخش ۳۹ قانون قوه قضائیه آلمان). این مکانیسم نشان می‌دهد که سیستم‌ها می‌پذیرند که قاضی عقیده سیاسی دارد، اما باید از استفاده از اعتبار رسمی منصب برای تقویت آن عقیده خودداری کند.

آنچه از مجموع این مفاد قابل استخراج است اینست که میزان دخالت یک قاضی در مناظره عمومی به دو ملاحظه اساسی بستگی دارد، نخست اینکه آیا دخالت قاضی می‌تواند به طور منطقی اعتماد به بی طرفی او را تضعیف کند و دوم اینکه آیا چنین دخالتی ممکن است بی جهت قاضی را در معرض حملات سیاسی قرار دهد یا با شأن مقام قضایی قاضی ناسازگار باشد. با این حال، به نظر می‌رسد که حتی در صورت وجود تهدید حملات سیاسی، اگر اقدامات قاضی در خدمت منافع عدالت باشد، محدود کردن چنین بیانی غیرقابل قبول است.

جدا از تعیین محدوده ماهوی آزادی بیان قضات در این شرایط، موضوع دیگر آن لحن بیانی است که در اعمال این آزادی استفاده می‌شود. در مواردی که به قضات امکان شرکت در مناظرات عمومی داده شود، این سؤال وجود دارد که آیا این بدان معناست که آن‌ها می‌توانند دیدگاه خود را به هر شکل از جمله استفاده از زبان مبتذل و هزل‌آمیز بیان کنند یا اینکه برعکس، باید زبان متواضعانه و مؤدبانه‌ای را به کار گیرند. در حالی که توافق بر سر چنین اصل کلی آسان است، به نظر می‌رسد تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا قضات در یک موقعیت خاص، نظر خود را به درستی بیان کرده‌اند بسیار پیچیده‌تر است

1. The Law on the Status of Judges

(Lemmens, 2024: 3). پاسخ به چنین سؤالی ممکن است تا حد زیادی به ظرفیت‌های زبانی بستگی داشته باشد. بدون دانش خوب از زمینه سیاسی هر کشور و بدون هیچ‌گونه تسلطی به زبان و معنای گفته‌ها و عبارات در هر کشور، بسیار دشوار است که ارزیابی کنیم که آیا بیان یک قاضی از محدودیت‌های صلاحیت حرفه‌ای فراتر رفته است یا خیر.

۳-۲. آزادی بیان قاضی در ارتباطات اینترنتی

شبکه‌های اجتماعی اساساً زندگی روزمره ما را تغییر داده‌اند. قضات نیز از این قاعده مستثنی نیستند. با توجه به اهمیت مقام قضایی، استفاده قضات از رسانه‌های اجتماعی ممکن است خطرات خاصی ایجاد کند. در مقایسه با اشکال سنتی ارتباط، رسانه‌های اجتماعی ملاحظات جدیدی را ارائه می‌دهند که قضات باید از آن‌ها آگاه باشند. اول، برخی از شبکه‌ها به سایر اعضا اجازه می‌دهند تا محتوایی را بر روی سایت قاضی پست کنند. دوم، قاضی که در یک شبکه اجتماعی شرکت می‌کند، احتمالاً کنترل حریم خصوصی ارتباطات خود با دیگران را از دست می‌دهد. سوم، برخی از رسانه‌های اجتماعی از پرچسب‌های مختلفی استفاده می‌کنند (مثلاً «دوستان»، «فالوور») که در شرایط خاص نشان‌دهنده یک رابطه شخصی نزدیک‌تر از آنچه در واقع وجود دارد، است. در نهایت، ارتباطات در رسانه‌های اجتماعی به‌طور قابل توجهی عمومی‌تر از رسانه‌ها و روابط سنتی‌تر است و خطر بیشتری برای ایجاد تصویر نادرست در اذهان عمومی دارد (Schoeller, 2019: 10).

در کنار این ملاحظات، رسانه‌های اجتماعی می‌توانند فرصت‌های بی‌نظیری را برای گسترش دامنه تخصص حقوقی قضات برای دربرگرفتن و آموزش بخش‌های بالقوه وسیعی از عموم مردم ایجاد کنند. با استفاده از رسانه‌های اجتماعی، این امکان وجود دارد که قضات درک عمومی از قانون و خط‌مشی‌های حقوقی را افزایش دهند و قدردانی جامعه از قضات برای ترویج عدالت و حاکمیت قانون افزایش یابد. علاوه بر این، ممکن است به قضات توصیه شود که فعالانه در رسانه‌های اجتماعی شرکت کنند تا درک بهتری از نحوه ارتباط اکثریت قریب به اتفاق افرادی که روزانه در برابر آن‌ها ظاهر می‌شوند به دست آورند. از این‌رو اتخاذ رویکردی که میان این منافع متعارض، توازن ایجاد کند ضروریست (Kakhidze et.al, 2021: 15).

بسیاری از اسناد بین‌المللی حاوی هیچ راهنمایی در مورد نحوه استفاده قضات از آزادی‌های آنلاین خود نیستند. آنچه در اغلب کشورها به‌طور گسترده پذیرفته شده این است که همان حقوقی که افراد به‌صورت آنلاین دارند باید به‌صورت آنلاین نیز محافظت شوند، به‌ویژه آزادی بیان (Human Rights Council, 2019: 15). با وجود این، به‌نظر می‌رسد ضرورت آگاهی قضات از جنبه‌های عملی اشکال بیان و تداعی آنلاین، مانند دسترسی بالقوه بیشتر آن‌ها از نظر تبلیغات یا دسترسی به شبکه‌های بزرگ‌تر

و ماندگاری بیشتر و پیامدهای بسیار مهم اقدامات نسبتاً کوچکی چون لایک کردن یا فوروارد کردن اطلاعات ارائه شده توسط دیگران لزوم قاعده‌گذاری خاص در این حوزه را توجیه می‌نماید.

شورای مشورتی قضات اروپایی در بند ۷۰ نظر شماره ۲۵ خود در مورد آزادی بیان قضات، قاضی را موظف می‌داند در ارتباطات خود در رسانه‌های اجتماعی احتیاط ویژه‌ای به خرج دهد. شورا بر اهمیت آموزش همه قضات در مورد برنامه‌های کاربردی رسانه‌های اجتماعی و پیامدهای اخلاقی استفاده از آن‌ها در زمینه‌های شخصی و حرفه‌ای تأکید می‌کند. در سطح داخلی در اغلب کشورها استفاده قضات از شبکه‌های اجتماعی توسط قاعده حقوقی خاصی تنظیم نمی‌شود، بلکه در چارچوب مقررات قانون اساسی و عادی صورت‌بندی می‌شود. فقط تعداد کمی از کشورها قوانین خاص یا استانداردهای اخلاقی را برای تنظیم رفتار قضات در رسانه‌های اجتماعی ایجاد کرده‌اند. استرالیا، رومانی، آلبانی، مجارستان، مونته‌نگرو، فیلیپین، اسلوانی، اوکراین، بریتانیا (ایرلند شمالی و اسکاتلند) از این شمارند (Kakhidze et.al, 2021: 15). در رومانی، مقررات ویژه‌ای برای قضات در مورد استفاده و رفتار آن‌ها در رسانه‌های اجتماعی وجود دارد. در فهرست مقررات این کشور، در دو بخش بین دادگاه‌ها و مراجع قضایی از یک سو و قضات از سوی دیگر تمایز ایجاد شده است. بخش اول استراتژی ارتباطی عمومی دادگاه‌های رومانی را تشریح می‌کند. بخش دوم مقررات، حدود قضات را برای اعمال آزادی بیان مشخص و تعریف می‌کند بر این اساس، قضات به هیچ وجه مجاز به اظهارنظر منفی در خصوص رعایت امانت حرفه‌ای و اخلاقی همکاران خود نیستند. ایده‌ها یا جهت‌گیری‌هایی که ممکن است نشان‌دهنده ارتباط با یک حزب یا ساختارهای حزبی باشد، نباید در رسانه‌های اجتماعی بیان شود. همچنین قضات از حمایت، تبلیغ یا ارزیابی به هر نحوی از کمپین‌ها، صفحات یا پست‌های فعالان یا گروه‌ها، در صورتی که این امر به اعتبار قوه قضائیه لطمه بزند منع می‌شوند (Gehring et.al, 2021: 97). در اوکراین بر اساس ماده ۱۷ منشور اخلاقیات قضایی مصوب ۲۰۱۳، داشتن حساب شبکه اجتماعی، استفاده از تالارهای گفتگوی اینترنتی و سایر اشکال ارتباط آنلاین برای قاضی قابل قبول است، اما قاضی فقط می‌تواند اطلاعاتی را ارسال و در مورد مطالبی اظهارنظر کند که به صلاحیت قاضی و قوه قضائیه خدشه وارد نکند.

در فرانسه قوه قضائیه با تهیه دستورالعمل‌هایی برای رفتار قضایی در رابطه با استفاده از رسانه‌های اجتماعی به این چالش‌های جدید پاسخ داده است. دو نسخه اخیر منشور اخلاق قضایی فرانسه که توسط شورای عالی دادگاه‌های مجستریت تدوین شده است، با در نظر گرفتن اینکه قاضی یک کاربر اینترنت مانند سایرین نیست، تعهد جدیدی را بیان می‌کند که شامل وظیفه هوشیاری است. قاضی وظیفه هوشیاری در استفاده از شبکه‌های اجتماعی دارد، به ویژه زمانی که تحت هویت قاضی

اظهار نظر می‌کند (Schoeller, 2019: 29).

در برخی کشورها، آگاهی بخشی در خصوص خطرات مربوط به اعمال آزادی بیان در رسانه‌های اجتماعی به عنوان فرایندی آموزشی مورد توجه انجمن‌های حرفه‌ای قضات یا نهادهای متولی آموزش قضات بوده است. در کانادا و بسایت موسسه ملی قضاوت، نهادی که مسئول ارائه برنامه‌های آموزش مداوم برای قضات است، مطالبی را در مورد استفاده از رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌کند. مرکز کانادایی فناوری دادگاه، راهنماهای استفاده از رسانه‌های اجتماعی در دادگاه را در سال ۲۰۱۵ منتشر کرده است (ccct, 2015: 17).

تحلیل‌ها نشان می‌دهند که استاندارد اخلاقی قاضی در فضای آنلاین باید به سطح احتیاط مضاعف ارتقا یابد. در حالی که هدف نهایی حفظ اعتماد عمومی است، این امر نباید منجر به انزوای کامل قاضی از جامعه شود. موفقیت در این زمینه منوط به ایجاد تفکیک دیجیتال واضح میان هویت شهروندی فعال و هویت قضایی بی طرف است. مکانیسم کلیدی در این توازن، درک این است که در فضای مجازی، ظاهر بی طرفی اغلب به اندازه واقعیت بی طرفی اهمیت دارد. در این راستا برای مقررات‌گذاری استفاده از رسانه‌های اجتماعی در میان قضات، در کنار وضع قوانین و مقررات ویژه، اجباری کردن آموزش دانش دیجیتال و فرهنگ رسانه‌های اجتماعی حیاتی است. ایجاد برنامه‌های آموزشی اجباری برای فهم مزایا، معایب و خطرات استفاده از رسانه‌های اجتماعی در زمینه‌های شخصی و حرفه‌ای برای همه کارکنان قضایی می‌تواند در رئوس برنامه‌های خود قوه قضائیه قرار گیرد. همچنین اصلاح آئین‌نامه‌های رفتاری برای همه ضابطان قضایی به منظور گنجاندن موضوع استفاده شخصی و حرفه‌ای از رسانه‌های اجتماعی، قدم بعدیست.

۲-۴. آزادی بیان قضات در زندگی روزمره

در برخی موارد، اگرچه اظهارات قاضی به وضوح به وظایف رسمی او مرتبط نیست، اما نظرات شخصی او ممکن است دلیلی باشد برای این که قاضی مربوطه برای رسیدگی به انواع خاصی از پرونده‌ها مناسب نباشد. بنابراین این اصل که اظهارات عمومی یک مقام دولتی، یک امر خصوصی است را نمی‌توان به طور کامل بدون استثنا حفظ کرد. برای مثال، قاضی که دیدگاه‌های شخصی او توجه عمومی را به خود جلب کرده است، ممکن است برای رسیدگی به انواع خاصی از پرونده‌ها کمتر مناسب به نظر برسد. تفسیر اصول رفتار قضایی بنگلور تأکید می‌کند که قاضی باید استانداردهای بالایی را در زندگی خصوصی و عمومی حفظ کند. در بررسی این اصول، برجسته‌ترین مسئله، تناسب است. قاضی باید محدودیت‌های شخصی را بپذیرد که ممکن است توسط یک شهروند عادی سنگین تلقی شود و باید آزادانه و با میل این کار را انجام دهد. به‌ویژه، قاضی باید به

گونه ای رفتار کند که با شأن مقام قضایی متناسب باشد (ozdemir, 2022: 109).

در کانادا، قضات باید از سخنان، اعمال یا موقعیت‌هایی در زندگی شخصی خودداری کنند که ممکن است باعث شود آن‌ها متهم به غرض‌ورزی شوند یا به‌نظر برسد به قوانینی که قسم خورده‌اند از آن حمایت کنند، بی‌احترامی کرده‌اند. در آلمان، طبق بند ۳۹ قانون قوه قضائیه، قاضی باید در داخل و خارج از دفتر خود به‌گونه‌ای رفتار کند که اعتماد به استقلال او به خطر نیفتد. در مراکش به موجب ماده ۴۷ قانون شماره ۱۳/۱۰۶ در مورد وضعیت قضات، قضات می‌توانند در فعالیت‌ها و کنفرانس‌های علمی شرکت کنند، مشروط بر این‌که این مشارکت بر عملکرد حرفه‌ای آن‌ها تأثیری نداشته باشد. نظراتی که در این زمینه بیان می‌کنند شخصی است و به هیچ وجه منعکس‌کننده نظر یک نهاد رسمی نیست. بر اساس بند ۴ ماده ۹۳ قانون محاکم کرواسی، قاضی می‌تواند در امور کارشناسی و علمی شرکت کند، مقاله منتشر کند، به عنوان معلم سخنرانی کند و در تهیه پیش‌نویس مقررات شرکت کند. بر اساس ماده ۱۰ قانون وضعیت قضات رومانی، قضات می‌توانند در تدوین نشریات یا مطالعات تخصصی آثار ادبی یا علمی شرکت کنند. این مصادیق نشان می‌دهد که تخصص قضایی می‌تواند در خارج از دادگاه نیز به‌کار رود، مادامی که از جایگاه قضاوت برای کسب اعتبار علمی سوءاستفاده نشود. ماده ۲۵ منشور اخلاقی برای اعضای قوه قضائیه مالت^۱ تأکید می‌کند اعضای قوه قضائیه، چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی عمومی، نباید به‌گونه‌ای اظهار و عمل کنند که دلالت بر جانبداری سیاسی کند.

در هلند به موجب ماده ۷ آیین‌نامه رفتار کارکنان قضایی، کارکنان قضایی باید درک کنند که رفتار خصوصی و بیان عمومی نظرات شخصی ممکن است اعتماد به سیستم قضایی را تضعیف کند. ماده ۳ این آیین‌نامه در تأکید بر آمیختگی شغل و زندگی خصوصی کارکنان دادگستری بیان می‌کند که یک قاضی حق دارد از آزادی بیان در زندگی روزمره خود استفاده کند، اما باید به‌گونه‌ای رفتار کند که به عملکرد خود به‌عنوان قاضی قوه قضائیه لطمه‌ای وارد نکند.

نتیجه آنکه قضات باید حداکثر خویش‌داری را در زمانی که دیدگاه‌هایشان مربوط به موضوعات عمومی و رسیدگی‌های قضایی است، اعمال کنند. در فضای عمومی، خطر بالقوه برای اعتبار قضایی، خود یک عامل بازدارنده قوی است. اما آزادی عمل بیشتری در مورد بیانات مربوط به حوزه خصوصی برای قضات وجود دارد، تا زمانی که اقتدار و بی‌طرفی قوه قضائیه به خطر نیفتد. علاوه بر این به نظر می‌رسد در حوزه خصوصی امکان وضع هیچ استاندارد یکسانی وجود ندارد. با توجه به تنوع فرهنگی

1. The Code of Ethics for Members of the Judiciary of Malta

هر جامعه و تحول دائمی در ارزش‌های اخلاقی، معیارهای اعمال شده در زندگی خصوصی قاضی را نمی‌توان خیلی دقیق وضع کرد. بنابراین، راهکار مؤثر در این زمینه، تمرکز بر فرایند تصمیم‌گیری قاضی و لحن و تأثیر اظهارات است، نه صرفاً محتوای آن. قاضی باید همواره از خود پرسد: آیا این اظهار نظر شخصی، با وجود اینکه از سوی یک شهروند بیان شده، تصویر یک حکم‌دهنده بی طرف و مستقل را در اذهان عمومی تضعیف می‌کند؟ پاسخ به این سؤال، معیار اصلی عملکرد اخلاقی خارج از دادگاه خواهد بود.

۳. آزادی بیان قضات در ایران

برای تعیین محدوده آزادی بیان قضات در ایران در حوزه‌های چهارگانه پیشین، نخست به وضعیت این آزادی در جریان دادرسی می‌پردازیم. در مورد اظهار نظر قاضی در جریان دادرسی در ایران تنها مقرره‌ای که صراحتاً قاضی را از اظهار نظر در مورد پرونده‌های در حال رسیدگی منع می‌کند، بند ح ماده ۱۰ دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۸/۰۴/۲۳ است که مطابق آن به منظور رعایت اصل استقلال و بی طرفی، کارکنان مکلفند از هرگونه رفتاری که شائبه جانبداری از یک طرف را تقویت می‌کند، از جمله هرگونه اظهار نظر در ماهیت دعوا تا پیش از ختم دادرسی به‌ویژه از طریق مصاحبه با رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی راجع به پرونده‌ها به‌گونه‌ای که بیان‌کننده گرایش، تمایل یا اراده قاضی نسبت به ماهیت یا فحوی تصمیم نهایی باشد اجتناب کنند. این ممنوعیت فقط شامل اظهاراتی نیست که حکم نهایی را لو می‌دهد، بلکه شامل هر چیزی است که گرایش قاضی را نسبت به نتیجه نهایی نشان دهد. این رویکرد پیشگیرانه، تلاش می‌کند تا حتی تصویر جانبداری را قبل از صدور حکم از بین ببرد. طبق ماده ۱۹ سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۱۶ قضات از پیش‌داوری در مورد نتایج دعاوی که به بی طرفی قضائی لطمه اساسی می‌زند منع شده‌اند. آشکار است که پیش‌داوری نیازمند اظهار نظر است. به رغم ضمانت اجرای مشخص برای این تکلیف، ظاهراً قضات تنها مکلف به عدم پیش‌داوری در خصوص دعاوی هستند که در پیشگاه آن‌ها مطرح شده است. حال آنکه اصل برائت و بی طرفی در دادرسی مقتضی است که درباره موضوعاتی نیز که هنوز منجر به طرح دعوا و تشکیل پرونده نشده اما در سطح جامعه مطرح هستند همین تکلیف بر قضات اعمال شود (رضائی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۵).

در دیگر قوانین، اظهار نظر پیشینی قاضی در خصوص یک پرونده به هر عنوان، از موارد رد دادرسی ذکر شده است. ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌دارد: دادرسی در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده و طرفین دعوا نیز می‌توانند او را رد کنند... (د) دادرسی سابقاً در موضوع دعوی اقامه شده به عنوان دادرسی یا داور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد. محکمه سابق عالی انتظامی قضات

در تأیید این دیدگاه و در یکی از آرای خود بیان داشته است: در موضوع (تصرف به قهر و غلبه) دادیار اولاً، به عنوان دعوی جزایی رسیدگی و اظهار عقیده نموده؛ ثانیاً، در همان موضوع که به صورت حقوقی و به عنوان تصرف عدوانی اقامه شده رسیدگی و حکم صادر کرده، چون هر دو دعوی موضوعاً یکی و در وهله اول اظهار عقیده نموده بود، مقتضی نبود که در همین موضوع بر خلاف قسمت هفتم ماده ۲۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی (بند د ماده ۹۱ قانون جدید) دخالت کرده و حکم دهد (شریفی، ۱۳۸۹: ۸۸). دادنامه شماره ۱۴۰۰۰۶۲۹۰۰۰۴۴۶۳۱۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۳ شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور با توجه به همین نکته، قرار امتناع از رسیدگی صادره از قاضی دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته را به دلیل اظهار نظر قبلی وی در همان پرونده به عنوان داور را صحیح تشخیص داده است. در ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرره مشابهی وجود دارد و از موارد رد دادرسی را زمانی می‌داند که دادرسی در همان امر کیفری قبلاً تحت هر عنوان یا سمتی اظهار نظر ماهوی کرده باشد. گرچه در این قوانین صراحتاً به ممنوعیت اظهار نظر قضات در خصوص پرونده‌های در حال رسیدگی اشاره نشده است، اما شرط عدم رد دادرسی را می‌توان به‌طور ضمنی متضمن ممنوعیت وی از اظهار نظر در هر عنوان و سمت در خصوص پرونده‌ها دانست. شمول این محدودیت بر خلاف بسیاری از کشورها تنها ناظر به پرونده‌های مورد ارجاع به خود قاضی است. بنابراین ممنوعیتی برای قاضی در مورد پرونده‌هایی که تحت رسیدگی سایر قضات است پیش‌بینی نشده است. همچنین باید توجه داشت در نظام حقوقی ایران در خصوص این ممنوعیت میان حکم و قرار و نیز اظهار نظر شکلی و ماهوی، تفکیک ایجاد شده است. دیوان عالی کشور در این خصوص بیان می‌دارد: «... دخالت در رسیدگی به مقدمات حکم، اظهار عقیده در موضوع دعوی محسوب نمی‌شود.» (رأی شماره ۱۲۸۲-۳۰/۴/۳۱-شعبه ۴ دیوان عالی کشور) (صورتجلسه نشست قضایی مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۵) نظریه مشورتی شماره ۲۱۳۳/۹۳/۷ مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۰۸ اداره کل حقوقی قوه قضائیه مواردی چون صرف تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین را اظهار نظر ماهوی ندانسته است. این تمایز نشان می‌دهد که قانون‌گذار و رویه قضایی در ایران تلاش دارند تا محدودیت‌ها را در سطح فنی و دقیق اعمال کنند. یعنی قاضی باید صرفاً از اظهار نظر درباره هسته اصلی نزاع (ماهیت) منع شود، نه از انجام وظایف شکلی و مقدماتی که لازمه جریان دادرسی است. این رویکرد در تضاد با رویکرد سختگیرانه‌تر برخی کشورهاست که هرگونه اظهار نظر رسانه‌ای در مورد پرونده در حال رسیدگی را ممنوع می‌دانند.

در سند تحول و تعالی قوه قضائیه مصوب ۱۴۰۳/۰۱/۰۶ رئیس قوه قضائیه، بر انتشار عمومی آراء قضایی بلافاصله پس از صدور آراء با حفظ محرمانگی اطلاعات اشخاص دخیل در پرونده از طریق توسعه سامانه انتشار آراء قضایی با امکان تحلیل و ارزیابی آراء با رعایت ماده (۶۵۳) قانون

آیین دادرسی کیفری تأکید شده و ترغیب اشخاص از جمله نخبگان و نهادهای تخصصی به مشارکت در ارزیابی آراء قضایی منتشرشده در سامانه انتشار آراء قضایی با طراحی نظام انگیزشی مناسب موردتوجه قرار گرفته است. ماده ۶۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری نیز ارائه آراء صادره از سوی محاکم در صورتی که به تشخیص قاضی اجرای احکام خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی نباشد به صورت برخط (آنلاین) برای تحلیل و نقد صاحب نظران و متخصصان با حفظ حریم خصوصی اشخاص را از وظایف قوه قضائیه می‌داند. آنچه از مجموع این مفاد استنباط می‌شود آزادی بیان قاضی در نقد آرا پس از صدور و انتشار می‌باشد و از آن، آزادی اظهارنظر کارشناسی و تخصصی در خصوص نحوه رسیدگی به پرونده و رأی احتمالی برداشت نمی‌شود. این تفسیر، خط قرمز اصلی را مشخص می‌کند. آزادی بیان فعالانه (پیش از صدور حکم) ممنوع است، اما آزادی بیان انفعالی (نقد رأی صادر شده) مشروط به انتشار مجاز است.

چنانچه پیش از این گفته شد حتی لحن بیان و اظهار قاضی نیز در چارچوب حق او بر آزادی بیان مشمول قیدهایی است. هم شکل و هم محتوای اظهارات قاضی در جریان دادرسی باید به منزله ابراز احترام برای طرفین در محاکمه باشد. ماده ۲۰ سند امنیت قضایی رفتار توأم با توهین و تحقیر کلامی یا عملی و خشونت گفتاری در مورد مظنونان، متهمان، شهود و مطلعان را ممنوع دانسته است. در میان قوانین موجود، قانون نظارت بر رفتار قضات در بند ۶ ماده ۱۵، در شرح تخلفات، رفتار خارج از نزاکت حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن را مستوجب مجازات‌های انتظامی درجه چهار تا هفت دانسته است. البته در خصوص تعریف نزاکت قضایی و اینکه شامل چه افعال و رفتارهایی می‌شود اختلاف نظر است. اگرچه کتاب‌های کلاسیک فقهی دربرگیرنده شرایط متصدیان قضای اسلامی و همچنین بایسته‌ها و نابایسته‌های انجام قضاوت است اما به نظر می‌رسد دغدغه اصلی تشتت شرایط مزبور در کتب فقهی و فقدان یک سند جامع اصول رفتار شایسته قضایی است (خاقانی اصفهانی و نظافتی، ۱۴۰۳: ۴۷). نتیجه آنکه مستند به همین کتب در حقوق ایران آنچه به عنوان نزاکت قضایی یاد می‌شود همان اصول اخلاقی است که در فقه به صورت پراکنده آمده است. برای کاستن از آثار سوء این ابهام، راه حل در تصویب قوانین شفاف در خصوص مصادیق رفتار خلاف نزاکت و شأن قضایی است (اکبری رودپشتی و زمانی، ۱۳۹۷: ۱۱۲). در صورت شفاف‌سازی این مفهوم، می‌توان اظهارات و بیان خارج از نزاکت قاضی را در چارچوب این بند موردتوجه قرار داد. ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی همین قانون نیز، استعمال الفاظ نامناسب با شأن قضایی را از مصادیق عمل خلاف عرف مسلم قضات، موضوع تبصره بند ۶ ماده ۱۷ قانون می‌داند که موجب تخفیف جایگاه قاضی یا ایجاد بدبینی یا بی‌اعتمادی مردم نسبت به دستگاه قضایی گردد. گرچه ماده ۱۲ با هدف

ایضاح متن قانون وضع شده اما خود تعریف به مجمل نموده و در عمل تعیین مرز دقیقی بین الفاظ مناسب با شأن قضایی و غیر آن کار دشواریست.

رعایت نزاکت از موضوعات مورد نظارت و ارزشیابی قضات به موجب ماده ۲۴ آیین نامه نحوه بازرسی، نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات نیز هست و لذا هر اظهار، رفتار یا عملی می‌تواند بر اساس رعایت یا عدم رعایت آن مورد ارزیابی قرار گیرد. ماده ۱۱ دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضائیه در راستای حفظ حیثیت و کرامت ارباب رجوع، کارکنان را مکلف به رعایت ادب و ارزش‌های انسانی در برخورد با ارباب رجوع دانسته و رعایت ادب و نزاکت را از معیارهای ارزیابی کارکنان قضایی به منظور ارتقا، انتصاب و تمدید قراردادهای استخدامی و تشویق آن‌ها قرار داده است.

مجموع قواعد فوق‌الذکر در خصوص توجه به نزاکت در خارج از وظیفه شغلی، از جمله در زندگی روزمره یا مباحثات عمومی متضمن جواز یا ممنوعیتی نیستند. گرچه توجه به هدف وضع این قواعد که مبتنی بر حفظ شأن و منزلت قضات و حفظ اعتماد عمومی به دستگاه قضایی است ضرورت رعایت این قواعد را در خارج از وظیفه شغلی موجه می‌سازد.

موضوع آزادی بیان قضات در مباحثات و مناظرات عمومی هم در نظام حقوقی ایران به دقت و جزئیات مورد توجه قرار نگرفته است. چنان‌که قوانین موجود صراحتاً مشخص نمی‌کنند آیا قضات حق شرکت و اظهار نظر در یک گفتمان عمومی مربوط به مسائل اجتماعی را دارند یا خیر؟ در قواعد فعلی تنها ممنوعیت قضات و کارکنان قضایی از مداخله و جانب‌داری در مورد اختلافات و منازعات سیاسی، جناحی، حزبی، سازمانی و انتخاباتی و صنفی و هرگونه اظهار نظر رسمی راجع به موضوعات مورد مناقشه آن‌ها در بند چ ماده ۱۰ دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضائیه مورد توجه قرار گرفته است و اشاره‌ای به ممنوعیت اظهار نظر در مورد موضوعات خارج از این چارچوب‌ها نشده است. همچنین مانند برخی کشورها، در قوانین و دستورالعمل‌های موجود ایران اشاره به موارد مجاز اظهار نظر در مباحث عمومی نشده است. لازم به ذکر است شمول محدودیت در موارد ذکر شده نیز شامل اظهار نظر رسمی است. بنابراین به نظر می‌رسد اظهاراتی که فرد در یک جمع دوستانه یا در زندگی شخصی در مورد مباحث عمومی، خارج از جایگاه رسمی قضاوت، بیان می‌کند مشمول این ممنوعیت نباشد.

همین فقدان یا نبود قواعد مشخص در خصوص روابط اینترنتی قضات و فعالیت‌شان در رسانه‌های اجتماعی، چه در جایگاه قاضی و چه به عنوان کاربر شخصی نیز وجود دارد. تنها قانون موجود مرتبط با عملکرد رسانه‌ای قوه قضائیه، دستورالعمل اطلاع‌رسانی و ارتباطات رسانه‌ای قوه قضائیه است که با

هدف ایجاد انسجام در برنامه‌های کلان اطلاع‌رسانی قوه قضائیه وضع شده است و به مناسبات اینترنتی شخص قاضی توجهی ننموده است. تبصره بند ح ماده ۱۲ این دستورالعمل، در خصوص وظایف شورای اطلاع‌رسانی استانی، اعلام می‌دارد: در رسانه‌ها نسبت به موضوعات، پرونده‌ها و آرای که مستعد بازتاب ملی یا بین‌المللی باشد، هرگونه اطلاع‌رسانی رسانه‌ای از قبیل مصاحبه، اعلام نظر، صدور اطلاعیه و انتشار خبر مستلزم اخذ مجوز به موجب درخواست کتبی دبیر شورای استانی از دبیر شورای عالی اطلاع‌رسانی است. چنان‌که از مفاد این تبصره برداشت می‌شود، تکلیف مذکور ناظر به وظیفه شورای عالی اطلاع‌رسانی استانی است و رئیس کل دادگستری استان به عنوان سخنگوی شورا مسئولیت این اطلاع‌رسانی را برعهده دارد. بنابراین از این تبصره امکان اخذ مجوز فردی برای هر قاضی میسر نیست. البته در ماده ۱۹ این دستورالعمل بیان شده که به استثنای مسئولین عالی قضائی، اعلام هرگونه خبر یا هر نوع ارتباط رسانه‌ای قضات، مدیران و کارکنان این قوه اعم از مصاحبه، برگزاری نشست خبری و مطبوعاتی، صدور بیانیه، با هماهنگی عالی‌ترین مقام در نهاد مربوطه و اطلاع مرکز رسانه صورت می‌گیرد. مستفاد از این ماده و با دقت نظر در مواد پیشین دستورالعمل به نظر می‌رسد آزادی بیان قاضی در اعلام هرگونه خبر یا هر نوع ارتباط رسانه‌ای مربوط به مباحث قضایی که مستعد بازتاب ملی یا بین‌المللی نیست با انجام هماهنگی پیشینی موردپذیرش قرار گرفته است.

در مورد مناسبات اینترنتی قاضی به عنوان یک فرد و اظهارات شخصی وی در فضای مجازی در موضوعات غیرقضایی مقررهای در نظام حقوقی ایران وجود ندارد و در حال حاضر به نظر می‌رسد چاره‌ای جز حاکمیت قوانین مربوط به فعالیت سایر افراد در فضای مجازی بر فعالیت قضات در این فضا نباشد.

در مجموع آنچه از مجموع این قواعد در خصوص حق بر آزادی بیان قاضی حاصل می‌شود آنست که در ایران ظاهراً الگوی مشخصی برای لحاظ آزادی بیان قاضی و دیگر قواعد رفتاری قضات مدنظر نیست. معدود اسناد موجود اعم از قانون، آیین‌نامه و دستورالعمل نتوانسته‌اند همه ابعاد مربوط به حق آزادی بیان را پوشش دهند. بنابراین ما در نظام حقوقی ایران با هیچ قانون یا قواعد رفتاری منسجم، جامع و مانعی که راهنمای قاضی در این حوزه باشد روبه‌رو نیستیم. برخی از اسناد و دستورالعمل‌های موجود چون سند امنیت قضایی نیز علی‌رغم داشتن مؤلفه‌های رفتاری، کلی‌گویی و در خصوص بسیاری از موارد سکوت کرده‌اند. علاوه بر این علی‌رغم تأکید بر اعمال برخی قواعد رفتاری، فقدان ضمانت‌اجرای معین و مؤثر، اثرگذاری این قواعد را به چالش می‌کشد. مهم‌تر اینکه توجه به تدوین استانداردهای جامع این حوزه از طریق انجمن‌ها و نهادهای حرفه‌ای مربوط به قضات کاملاً موردغفلت قرار گرفته است. برخلاف برخی کشورها که انجمن‌های قضایی، منشورهای

اخلاقی دقیق و به‌روز تدوین می‌کنند، در ایران این مسئولیت عملاً بر دوش قانون‌گذار و قوه قضائیه مانده و خروجی آن هم فاقد انسجام است.

نتیجه

بررسی قوانین و مقررات موجود در بسیاری از کشورها حاکی از آن است که در حوزه بیان قضات، غالباً نظام‌های حرفه‌ای یا انجمن‌های حرفه‌ای قضات، در قالب قواعد رفتاری یا قواعد اخلاقی اقدام به وضع استانداردهای مشخص نموده‌اند. این خودتنظیمی، ضمن تأمین استقلال قضایی، می‌تواند مبنایی برای اعمال مجازات‌های قانونی و انضباطی در دیگر قوانین موضوعه باشد. در ایران نقش عمده مقررات‌گذاری در این خصوص برعهده مراجع حکومتی (اعم از مقننه و قضائیه) بوده و اثری از خودتنظیمی توسط نهادهای حرفه‌ای مربوط به قضات وجود ندارد. همین قواعد موجود نیز بسیار پراکنده و غیرجامعند و قادر نیستند مرزبندی دقیقی در خصوص حدود آزادی بیان قاضی در حوزه‌های مختلف ارائه دهند. عملکرد قضات در بسیاری از حوزه‌ها چون مباحثات عمومی، ارتباطات اینترنتی و حتی زندگی روزمره مورد توجه قرارنگرفته و با خلأ نظام جمعی از قواعد روبه‌رویم. بر این اساس و با توجه به اینکه حفظ حقوق اساسی افراد از جمله قضات تا حد ممکن ضروریست و به منظور اجتناب از آنچه اثر دلسردکننده نامیده می‌شود، ارائه پیشنهادت زیر به منظور تعیین چارچوبی برای آزادی بیان قضات پیشنهاد می‌شود:

تدوین و اجرای استانداردهای داخلی جامع: قوانین داخلی در مورد آزادی بیان قضات باید شامل مقررات خاصی باشد که ضمانت اجرای معین داشته و به صراحت معین کند قضات حق دارند از حق آزادی بیان بر مبنای برابر با دیگران استفاده کنند و اینکه استفاده از این حق تنها می‌تواند مشمول محدودیت‌هایی باشد که در یک جامعه دموکراتیک برای حفظ اقتدار قوه قضائیه و همچنین استقلال و بی‌طرفی قضات ضروری به نظر می‌رسد. خود قضات در بهترین موقعیت برای تعیین دامنه و محتوای هنجارهای قانونی و اخلاقی در مورد اعمال آزادی‌های اساسی خود هستند. برای ایجاد یک نظام حقوقی کامل و کارآمد برای آزادی بیان قضات، نمی‌توان صرفاً به آموزه‌های کلی اکتفا کرد یا قواعد را از بالا به پایین دیکته نمود. بلکه باید با مشارکت فعال و مؤثر خود قضات، این آموزه‌ها را به قواعدی دقیق، عملیاتی و مورد توافق جامعه قضایی تبدیل کرد که هم استقلال آن‌ها را تضمین کند و هم اعتبار و اقتدار دستگاه قضا را حفظ نماید. خودتنظیمی سازگارترین سیستم در پرتو استانداردهای بین‌المللی مربوط به حق آزادی بیان است و فرایندی است که در آن قضات رفتار خود را از طریق یک نهاد خاص و منطبق با یک منشور یا کد رفتاری و اخلاقی تنظیم و مدیریت می‌کنند. از این‌رو در کنار وضع قواعد الزام‌آور، تدوین و تهیه استانداردهای رفتار حرفه‌ای توسط نهادهای حرفه‌ای مربوط به

قضات مورد تأکید بیشتر است. این اصول باید از قوانین انضباطی قابل اعمال برای قضات جدا باقی بمانند، به این معنا که عدم رعایت چنین اصولی نباید به طور خودکار یک تخلف انضباطی باشد. اجباری کردن آموزش قضات: قضات باید آموزش کافی در مورد اصول رفتاری مربوط به اعمال آزادی بیان خود، هم در رابطه با فعالیت‌های حرفه‌ای و هم در رابطه با فعالیت‌های فرا حرفه‌ای دریافت کنند. چنین آموزش‌هایی باید به‌ویژه شامل راهنمایی‌های عملی در مورد استفاده از رسانه‌های اجتماعی باشد. ارائه این آموزش از طریق انجمن‌های حرفه‌ای و نهادهای متولی آموزش قضات و اجباری کردن گذراندن دوره‌های آموزشی مربوطه برای قضات باید در رئوس برنامه‌های خود قوه قضائیه قرار گیرد.

ایجاد نهادهای مشورتی: ایجاد نهادهای مشورتی که به قضات در زمانی که ابهام دارند آیا یک فعالیت معین در حوزه خصوصی‌شان با مسئولیت‌ها و وظایف آن‌ها به‌عنوان قاضی و مأمور دولت سازگار است یا نه، مشاوره دهد پیشنهاد می‌شود. چنین نهادهای مشورتی باید از نهادهای مسئول اعمال مجازات‌های انضباطی جدا باشند تا با تفسیر مضیق از همه موارد، قاضی را مشمول محدودیت‌های گسترده و نابجا قرار ندهند.

منابع

فارسی

- اکبری رودپشتی، عظیم و زمانی، سیدقاسم. (۱۳۹۷). نزاکت قضایی در نظام حقوقی ایران. حقوق اسلامی. سال پانزدهم، شماره ۵۹، ۸۹-۱۲۲
- خاقانی اصفهانی، مهدی و نطافتی، محمدرضا. (۱۴۰۳). بایسته‌های دانشی و روان شناختی الگوی «قاضی تراز» جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی. دوره ۲۹، شماره ۱۰۵، ۴۵-۷۶
- سازمان ملل متحد (اداره مقابله با مواد مخدر و جرم). (۱۳۸۹). شرح اصول رفتار قاضی (اصول بنگلور). ترجمه محمدعلی شاه‌حیدری و مجتبی همتی، تهران: انتشارات خرسندی.
- شریفی، علیرضا. (۱۳۹۸). شرایط رد دادرسی به علت اظهار نظر پیشین. معرفت. سال نوزدهم، شماره ۵۴.
- رضائی، آزاد؛ ویژه، محمدرضا و وکیلیان، حسن. (۱۴۰۱). قواعد رفتاری حاکم بر قضات در امریکا و ایران. تعالی حقوق. دوره ۸، شماره ۳، ۳-۳۵.

غیرفارسی

- Fajdiga, Mohor and Sasa Zagorc (2023), "Freedom or Feardom of Expression of Judges? Exploring the 'Chilling Effect' on Judicial Speech", *European Constitutional Law Review*, vol, 19, No 2,249–270
- Gray, Cynthia (2009), *Ethical Standards for Judges*, Chicago: American Judicature Society
- Hammond, Grant (2021). Judges and free speech in New Zealand. In: Lee HP, ed. *Judiciaries in Comparative Perspective*. Cambridge University Press; 195-216.
- Khotynska-Nor, Oksana and Lidiia Moskvych (2021), "Limits of a Judge's Freedom of Expressing His/Her Own Opinion: The Ukrainian Context and ECtHR Practice", *Access to Justice in Eastern Europe*, Vol 3, No11, 170–180
- Milinkovic, Igor M (2022), "Freedom of expression of judges in Bosnia and Herzegovina", *Zbornik Radova: Pravni Fakultet u Novom Sadu*, vol 57, No 1,327-350
- Mullor, Joan Solanes (2023), "Spain, Judicial Independence, and Judges' Freedom of Expression: Missing an Opportunity to Leverage the European Constitutional Shift?", *European constitutional law review*, vol 19, no 20,271 - 293
- Özdemir, Nadire (2022), "Freedom of Expression of Judges within the Boundaries of Private Life: Cultural and Gender Dimensions", *Krytyka Prawa. Niezależne Studia Nad Prawem*, vol 14, no 4, <https://doi.org/10.7206/kp.2080-1084.559>
- Rodney A. Smolla, "Regulating the Speech of Judges and Lawyers: The First Amendment and the Soul of the Profession", *Florida Law Review*, Vol. 66, no 3,961-990
- Wojtanowski, Mateusz (2024), "Towards Greater Freedom of Expression for Judges. The Rejection of a Culture of Judicial Silence and Its Benefits for Liberal Democracy", *Journal of the University of Latvia. Law*, No. 17,124=140
- **Electronic sites:**
- Canadian Centre for Court Technology (CCCT-CCTJ) (2015), *The Use of social media by Canadian Judicial Officers*, available at: https://www.cacp.ca/_Library/law_amendments_committee/2015052817551511585715_ccctctjtheuseofsocialmediabycanadianjudicialofficers.pdf
- Gehringer, Ferdinand A & Hartmut Rank & Mahir Muharemović & Stanislav

- Splavnic (2021), *The Public Opinion of Judges*, available at: <https://www.kas.de/documents/259121/14781631/The+Public+Opinion+of+Judges.pdf/7578578a-d8cd-257d-8788-a7f4a691e4f5?version=1.0&t=1633439199289>
- Heldens, Jan Jaap & Claire Houg and Sebastiaan van de Kant (2022), *Freedom of speech of the judge*, Semi-Final D: Judicial Ethics and professional conduct The Netherlands, available at: <https://portal.ejtn.eu/PageFiles/20509/Themis%20Paper%20Judicial%20Ethics,%20The%20Netherlands.pdf>
 - Human Rights Council (2019), *Independence of judges and lawyers (Report of the Special Rapporteur on the independence of judges and lawyers)*, available at: <https://documents.un.org/doc/undoc/gen/g19/118/68/pdf/g1911868.pdf>
 - Kakhidze, Tamta & Magda Jimshelishvili & Ivane Chitashvili (2021), *Limits of Freedom of Expression of Judges*, available at: https://transparency.ge/sites/default/files/mosamartleta_gamoxatvis_parglebi-e_1.pdf
 - Lemmens, Koen (2024), *Judges on social media: freedom of expression versus duty of judicial restraint – lessons from Danilet v. Romania*, available at: <https://strasbourgobservers.com/2024/06/07/judges-on-social-media-freedom-of-expression-versus-duty-of-judicial-restraint-lessons-from-danilet-v-romania/>
 - Ohchr, *Mandate of the Special Rapporteur on the independence of judges and lawyers*, available at: <https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.ohchr.org/sites/default/files/Documents/Issues/IJudiciary/ExpressionAssociation/States/Croatia.doc&ved=2ahUKEwjCoef4rs-KAxVE0QIHHYBsAWcQFnoECBQQAQ&usg=AOvVaw2fWF62ngXN94mmuRTR7JgS>
 - Rosales, Carlos Manuel & Vargas Oscar Ruiz (2022), *freedom of expression of judges communication*, available at: <http://rlr.iup.rs/wp-content/uploads/2022/10/03-Rosales-Ruiz-Vargas.pdf>
 - Rzewuski, Maciej, *A Few Words About Judge's Freedom of Expression*, available at: https://eurofur.eu/wpcontent/uploads/2020/09/19_pdfsam_ksi%C4%99ga-dodruku.pdf
 - Schoeller, Anja (2019), *Impartiality of Judges and social media: Approaches, Regulations and Results*, available at: <https://www.kas.de/documents/265308/265357/Impartiality+of+Judges+and+Social+Media.pdf/eb313aed-88ca-c677-4231-d84c02ee914c?version=1.0&t=1591861554477>
 - Seibert-Fohr, Anja (2019), *The Independence of Judges and their Freedom of Expression: An Ambivalent Relationship*, available at: <https://ssrn.com/abstract=3375038>
 - Sessa, Duro (2022), *Freedom of Expression of Judges*, available at: <https://rm.coe.int/hf6-guidelines-foe-judges-eng/1680a738d3>
 - The International Commission of Jurists (ICJ) (2019), *Judges' and Prosecutors' Freedoms of Expression, Association and Peaceful Assembly*, available at: <https://www.icj.org/wp-content/uploads/2019/02/Universal-SRIJL-Judges-Advocacy-non-legal-submission-2019-ENG.pdf>
 - Venice Commission (2015), *Report on the Freedom of Expression of Judges*, available at: [https://www.venice.coe.int/webforms/documents/default.aspx?pdffile=CDL-AD\(2015\)018-e](https://www.venice.coe.int/webforms/documents/default.aspx?pdffile=CDL-AD(2015)018-e).